بررسی واژه های فرهنگستان

محیط طباطبائی، محمد

یکی از راههائی که فرهنگستان برای ساختن معادل‏های فارسی واژه‏های خارجی‏ برگزید همین Loan-translation بود.بررسی چند واژه از ساخته‏های فرهنگستان‏ این موضوع را بخوبی روشن میسازد:«آذرسنج»،ترجمه کلمه pyro/meter است که جزء اول آن‏ بمعنی«آتش»و جزء دوم معنی«اندازه گرفتن،سنجیدن»را دارد.همینطور برگچه،شکمچه و بر چه‏ ترجمه‏هائی از Ventri/cle ?Foli/ole و Carp/el هستند که جزء اول آنها بترتیب‏ بمعنی برگ،شکم میوه است و جزء دوم آنها علامات تصغیر میباشند.سه کلمه Rectum ، Jejunum و Cecum که بترتیب معنی«راست،خالی و کور»را میدهند چون نام قسمت‏هائی‏ از روده هستند به«رودهء راست»«رودهء تهی»و«رودهء کور»ترجمه شده‏اند و به کلمهء اخیر در انگلیسی نیز Blind gut میگویند که Gut معنی روده را دارد.در واژه‏های«تخمدان» Ovary و«تخمک» Ovule جزء اول بمعنی«تخم»و-ary د کلمهء اولی مکان را میرساند و -ule در کلمهء دومی علامت تصغیر است.البته علاوه بر فرهنگستان عده‏ای نیز بطور پراکنده در این زمینه کوششهائی بعمل آورده‏اند که محدود به تعداد خیلی کمی واژه میشود مانند:زهد آنچه Utri/cule ،نهان چشمی Crypto/phthalm/ia ،فام تن‏ Chromo/some ،ریزبر Micro/some ،قرنیه‏بین Kerato/scope ،گویچه‏ Glob/ule پاتن Anti/body و بزرگی لب macro/cheil/ia که اغلب آنها خالی‏ از اشتباه نیستند.

ایرادی که میتوان به بعضی از اینگونه ترجمه‏های فرهنگستان گرفت اینست که‏ یک جزء معین در ترکیبات مختلف بصورتهای متفاوت‏تر ترجمه شده‏اند مثلا پیشوند Micro- در کلمهء Microscope «ریز»و در کلمهء Micrography به«خرد»ترجمه شده. پسوندشناسی گاهی بجای-Logy در انسان‏شناسی Cinthropology پرتوشناسی‏ Radio logy بکار رفته و گاهی بجای-Graphy مثلا در سنگ‏شناسی Petro/graphy و نژادشناسی Ethno/graphy اگر بخواهیم ترجمهء دو کلمهء اخیر را قبول کنیم در اینصورت‏ معلوم نیست Petro/logy و Ethno/logy را چگونه ترجمه کنیم،از طرفی این‏ این کلمات باهم مترادف نیستند تا یک ترجمه را برای هر دو کافی بدانیم چونکه Petrography دربارهء تشکیل سنگها و ترکیبات آنها بحث میکند در صورتیکه Petrology از مبداء پیدایش‏ سنگها و ساختمان آنها گفتگو میکند.

پیشنهاد برای ترجمه واژه‏های علمی

کلمات از نظر ساختمانی از یک یا چند جزء بنام مورفیم Morpheme که هر کدام دارای معنی و مفهوم خاصی است،تشکیل شده‏اند.مورفیم ممکن است گسسته یا پیوسته باشد مثلا در کلمهء مردانه-«مرد»یک مورفیم گسسته است زیرا به تنهائی معنی خاصی دارد و میتوان‏ آنرا بکار برد،در صورتیکه«آنه»مورفیم پیوسته است و بتنهائی معنی خاصی ندارد.در ترجمه واژه‏های علمی از زبانهای اروپائی به فارسی به این سه نکته باید توجه داشت:

1-تعداد مورفیم‏ها و برگرداندن آنها با در نظر داشتن تفسیر آنها 2 نوع واژه از نظر دستوری مثلا اسم،فعل یا صفت بودن کلمهء 3 قیاس از روی ترکیبات فارسی.در ترجمه‏ Honeymoon به«ماه عسل)این نکته رعایت شده کلمهء an/our/ous از سه مورفیم‏ درست شده:- an که علامت نفی است our -بمعنی دم و ous -که علامت صفت است‏ معادل آن در فارسی کلمهء«بی‏دم»از دو مورفیم تشکیل شده علت اینست که پیشوند بی-در فارسی هم برای نفی بکار میرود و دو هم‏اسم را به صفت تبدیل میکند.کلمهء Gyneceo/mast/ist از سه مورفیم درست شده مورفیم اول بمعنی«زن»و مورفیم دوم بمعنی«پستان»و مورفیم سوم‏ «مالکیت»را میرساند.چون در یونانی مضاف الیه قبل زا مصاف قرار میگیرد بنابراین مورفیم‏ 1 و 2 یک ترکیب اضای است که بفارسی«پستان زن»،میشود،البته نوع اضافهء تشبیهی‏ است یعنی پستانی ببزرگی پستان زن-همانطوریکه در فارسی قد سرو یعنی قدی بیلندی‏ سرو-حال اگر ترکیب اضافی را مقلوب کنیم و علامت اضافه را نیز حذف کنیم مفهوم‏ مالکیت در کلمه مستقر میشود،زیرا سرو قد بمعنی کسیکه دارای قدی به بلندی سرو است. بنابراین با مقلوب کردن«پستان زن»بصورت«زن پستان»مفهوم مورفیم 3 را در کمله مستتر کرده‏ایم و مفهوم کلی کلمه اینست.

کسیکه دارای پستانهای بزرگ شبیه پستانهای زن باشد.با در نظر گرفتن نکات‏ مذکور خواهیم توانست تعداد بیشماری از واژه‏های خارجی را در رشته‏های مختلف بفارسی‏ روان برگردانیم.در زیر نمونه‏هائی از این واژه‏ها داده شده واژه‏هائی که در بالای خط داده‏ شده آنهائیست که هم اکنون در فارسی متداول بکار میرود و بقیه با رعایت نکات مذکور ساخته شده است.

گوش/درد Oto/dynia Ot/algia

سر/درد Cephalc/dpnia Cephal/algia

ران/درد Mer/algia

گردن/درد Trachelo/dynia

شانه/درد Omo/dynia

جگر/درد7کبد درد Hepat/algia

نا/بینا/ئی A/bleps/ia

نا/چشا/ئی A/geus/ia

نا/بویا/ئی An/osm/ia

نا/شنوا/ئی An/acous/ia

نا/نویسا/ئی A/graph/ia

نا/یساوا/ئی An/aph/ia

هاگچه Sporule

سبرزچه،طحالچه Splenculus

تاولچه Vesiculus

یاختک Cellulc

گرهک Nodule

روان/پزشکی-Trics Psychiatry

دام/پزشکی Theriatrics

کودک/پزشکی-Trics Ped/iatry

گوش/پزشکی-Trics Ot/iatry

زن/پزشکی-Trics Gyn/iatry

پوست پزشکی Derm/iatrics

سگ/پزشکی-Trics Cyn/iatry

حون/ریزی Homo/rrhagia

صفرا/ریزی،زرداب/ریزی Cholo/rrhagia

مخاط/ریزی Blenno/rrhagia

نفاس/ریزی Lochio/rrhagia

پاد/زهر Anti/tixin

پاد/مراش،ضد استفراغ Anti/emetic

پاد/زیست،آنتی بیوتیک Anti/biotic

پا/تب Anti/ferile

پاد/شیر Anti/galactie

علاوه بر اینها تعداد زیادی واژه هستند که از صفت،اسم،و«ی»علامت اسم معنی درست‏ شده‏اند که در فارسی ما عینا ترکیبات مانند آنها را داریم مثل،تندخوئی،تیزهوشی و کندذهنی.

درشت/گوشی Macr/ot/ia

درشت/انگشتی Macro/dacty/ia

درشت/چشمی Mact/ophtalm/ia

پرخونی Hyper/em/ia

پرخوابی Hyper/somn/ia

پرکاری Hyper/ergas/ia

سخت پوستی Sclerc/derm/ia

سخت مؤنی Sclero/trich/la

سخت انگشتی Sclero/dactyl/ia

دژخونی Dys/em/ia

دژخوابی Dys/somn/ia

دژاشتهایی Dys/orex/ia

ریز/گوشی Micr/ot/ia

ریز/انگشتی Micro/dactyl/ia

ریز/چشمی Micr/ophtalm/ia

کم‏خونی Hhpo/hem/ia

کم‏خوابی Hypo/somn/ia

کم‏کاری Hypo/erg/ia

نرم استخوانی Osteo/malac/ia

نرم سپرزی،نرم طحالی Spleno/malac/ia

نرم دهانی، Stomo/malac/ia

خشک چشمی Xero/phthalm/ia

خشک پوستی Xcro/derm/ia

خشک لبی Xero/cheil/ia